

# شکوه انکار ناپذیر هنر ایران

قدری به لایه‌های عمیق فکر و اندیشه هنری رهنمون شده باشد؟»

از خاطر نبریم که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به هنر از سوی کسانی است که لذت بردن از هنر را تجربه نکرده و یا نیاموخته‌اند. اما این مشکلی نیست که لاینحل باشد. با سعی و درایت می‌توان بر آن چیره شد و لذت بردن از هنر را تجربه کرد. درک هنر و انتقال تجربه ارزشمند هنری می‌تواند در تعادل جامعه ارزشمند کردن گوهر وجودی انسان مؤثر باشد و این همان ایجاد زمینه برای تحقق «هنرمند مفید بودن» است.

معلم هنر دوران نوجوانی‌ام را به یاد می‌آورم که با حوصله در کلاس حضور می‌یافت و بساط و ابزار هنری خود را روی میز پهن می‌کرد. او تا همه بچه‌ها را سرگرم کار نمی‌کرد، لحظه‌ای قرار نداشت. بچه‌ها حال و هوای خوشی را تجربه می‌کردند. از همه مهم‌تر این بود که شاگردان احساس می‌کردند، این معلم مهربان هنر (آقای دهزاد در مدرسه کشاورز) به شایستگی در مقام معلم هنر نشسته است. مگر نه این است که فردوسی بزرگ می‌سراید: «به فرهنگ باشد روان تندرست!» زیرا در ادب و زبان فارسی خواندن چند بیت دلنشین سخن را به اوج می‌رساند و در عالم صدا و نوا، بعضی از صداها طنین آوای بال فرشتگان را دارند.

هنرمند شدن و دلبستگی به کار هنری داشتن و به‌دست آوردن توانایی برای لذت بردن از کار هنری، در چارچوب کلی و از منظر تعلیم و تربیت در زیرمجموعه «هنرمند مفید بودن» قرار می‌گیرد. برای دوست‌دار تعلیم و تربیت هنری رسیدن به این هدف کلی مهم، از طریق رسیدن به هدف‌های رفتاری کوچک‌تر میسر می‌شود. لذا لازم است نشانه‌های ذوق و قریحه را در آثار هنری دانش‌آموزانمان جدی بگیریم و آنان را تشویق کنیم که دست از کوشش و آموختن برندارند. بر این نکته باید تأکید معلمان کرد که رسیدن به «ذوق معنی‌یاب و معنی‌ساز» و دستیابی به «قریحه هنری» از راه تمرین و تکرار و توجه و تمرکز بر آثار هنری و دیدن مداوم آن‌ها حاصل می‌شود. دل دادن به کار و دست از طلب برداشتن، لازمه کار هنری است و به قول یکی از بزرگان «هیچ نامداری به آنجا که رسید، جز از این راه نرسید.»

گفته‌اند هنر بر بال خیال پرورش می‌یابد. آب و رنگ و امید به همراه خیال‌پروری آینده را دیدنی‌تر می‌کند و پیوند امید و آینده را مستحکم می‌سازد. از خود بپرسیم: «آیا شده است معلم باذوق هنر توانسته باشد در فرایند تدریس، دانش‌آموزان را با خیال‌خودشان تنها بگذارد و آن‌ها را از لایه‌های سطحی‌اندیشی،



عمیق ظرافت‌های هنری میسر می‌شود. معروف است که پیکاسو یک بار به نوآوری دست زد و بقیه عمر آن نوآوری را تکرار کرد تا اینکه آن نوآوری نخستین به جریان مهمی در عالم هنر تبدیل شد.

مسئله مهم دیگر توجه کردن و توجه دادن به تولید هنری است که حتی شمار کمی آن اهمیت دارد. کافی است بدانیم که در عصر **بالزاک** (نیمه اول قرن نوزدهم) بیش از ۵۰ هزار نمایشنامه در فرانسه نوشته شد که می‌توان یقین داشت تعدادی از این آثار ماندگار شده‌اند. پس کار و تولید مداوم هنری است که می‌توان از دستاوردهای نهایی آن گلچین زیبایی از کارهای هنری به دست آورد. در روزهای تدریس هنر به یاد می‌آورم دانشجویی کار نو، متفاوت و جذابی به وجود آورده بود. متوجه شدم که او پس از فراهم آوردن تعداد زیادی کار برای ارائه، فقط آن یک کار را همراه آورده است. امید و آینده دو بال پرواز برای هنرند. آن‌ها را به‌عنوان باوری عمیق در خود تکرار کنیم و نو شدن درون را که با پرمایگی و اصالت همراه است، در فرزندانمان پرورش دهیم و این سرود دل‌انگیز را به صوت وجود و با طنین رسا زمزمه کنیم که: «به امیدم، به امیدم، به امیدم»<sup>۱</sup>

سردبیر

در نوشته‌ها می‌خوانیم که در شهری مانند پاریس، پیش می‌آید که یک نمایشنامه هفت سال روی صحنه بماند و یا تا چندین دهه پیش، ۴۰ تئاتر هم‌زمان در پاریس کار می‌کردند. اگر در همسایه هنرهای کلامی، دنیای آب و رنگ و نقش هنرهای تجسمی غوغایی خیره‌کننده برای لذت بردن از مظاهر هستی به بار می‌آورد، آیا می‌توان فقط نشست و نظاره کرد و برای سبکبال کردن روح نوجوی دانش‌آموزان از این سرمایه بهره نبرد؟

به‌راستی که سرمایه‌ای باشکوه دست‌مایه هر دبیر هنر است که نباید آن را با بی‌توجهی کم ارزش بداند. زیرا سرمایه هنر ایران دارای شکوه انکارناپذیری است که باید آن را شناخت. معلمان و مدرسان خوب و مهربان هنر می‌توانند منادی این شیوه پسندیده، برای دانش‌آموزان خود باشند و آرمان هنری آن‌ها را با پاداش ملموس پاسخ دهند. به شاگردانشان این مضمون را یادآور شوند که آزادی روح اگر با عشق به هنر آمیخته شود، بهار هنری شکوفاکننده‌ای را برای هنرمند نوید می‌دهد که برایش هنر و اعتلای آن همه چیز است.

برای ما دانش‌آموزان غنچه‌های ناشکفته هنرند که لطافت طبع آن‌ها نگرش مثبتشان را به هنر رقم می‌زند. خلق اثر هنری تنها با داشتن باور و فهمیدن